

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/25

**موضوع: جایگاه بی نظیر اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و اعتراف بزرگان اهل سنت!**

**ویژه برنامه دانش افزایی حسینی**

**فهرست مطالب این برنامه:**

جایگاه بی نظیر اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و اعتراف بزرگان اهل سنت!

تحریفی خائنانه از مناقب اهل بیت (علیهم السلام) در منابع معتبر اهل سنت!

دستور عجیب امام صادق (سلام الله علیه) برای اثبات حقانیت مکتب تشیع!

«آیه تطهیر»؛ جلوه ای از جایگاه بی نظیر اهل بیت (علیهم السلام)

اعتراف عجیب آلوسی وهابی، در حق حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حاکم نیشابوری: من تعجب می‌کنم چرا «صحیحین» این روایت را ذکر نکرده‌اند!!

جنایتی که دست‌های ناپاک بنی امیه و ناپاک‌تر بنی عباس مرتکب شدند!

آیا روایت «أبو بکر وعمر سیدا كهول أهل الجنة» صحیح است!؟

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

فرارسیدن ماه شعبان و اعیاد شعبانیه را خدمت مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان که شاهد برنامه هستنید، تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم.

خدا را به آبروی محمد و آل محمد و مولودین این ماه بزرگ قسم می‌دهیم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم قرار بدهد، ان شاء الله.

موضوع بحث ما امام حسین (علیه السلام) در منابع اهل سنت و اشاره به بعضی از تحریفات است.

ابتدا ما آیاتی که در شأن و مقام و منزلت امام حسین آمده است در معیت برادر بزرگوار ایشان امام حسن مجتبی (علیه السلام) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، اشاره می‌کنیم و در ادامه به برخی از روایاتی که در رابطه با حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) نقل شده است، می‌پردازیم.

## جایگاه بی نظیر اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و اعتراف بزرگان اهل سنت!

یکی از آیاتی که جایگاه رفیع امام حسین (علیه السلام) را نشان می‌دهد، آیه مباحله آیه 61 از سوره مبارکه آل عمران است که در این رابطه می‌فرماید:

**(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا  
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)**

هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: "بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

**سوره آل عمران (3): آیه 61**

ما در منابع شیعه روایات متعدد و مفصلی داریم در رابطه با اینکه این آیه در حق حضرت سیدالشهدا و امام حسن نازل شده است.

به عنوان مثال در کتاب «عیون اخبار الرضا» جلد اول صفحه 78 و 79 همچنین در کتاب «أمالی» اثر «شیخ صدوق» صفحه 376 روایاتی در این خصوص آمده است.

حال به منابع اهل سنت می‌رسیم. در کتاب «صحیح مسلم» صفحه 1871 حدیث 2404 نقل شده است:

**«وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ  
اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي»**

وقتی آیه (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ) نازل شد، رسول اکرم امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین را خواندند و فرمودند: این‌ها اهل بیت من هستند.

**صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1871، ح 2404**

«ابن کثیر دمشقی سلفی» متوفای 774 هجری و شاگرد «ابن تیمیه» در «تفسیر القرآن» جلد اول صفحه 372 اشاره به این موضوع می‌کند و از قول «جابر» نقل می‌کند:

«قال جابر وفيهم نزلت (تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم) قال جابر (أنفسنا وأنفسكم) رسول الله وعلی بن أبی طالب (وأبناءنا) الحسن والحسين (ونساءنا) فاطمة»

مراد از این آیه شریفه این است که می‌فرمایند: شما جانتان را بیاورید، ما هم جانمان را می‌آوریم. مراد از (نا) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است و مراد از (أنفس) علی ابن ابی طالب است.

اولاً این بالاترین دلیل بر افضلیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به همه مؤمنین و صحابه و حتی نسبت به همه انبیاء است.

همانگونه که رسول اکرم اشرف انبیاء و افضل از تمام انبیاء است، امیرالمؤمنین که جان پیغمبر است هم از همه انبیاء افضل است. اگر قرار است خلیفه‌ای معین شود، آیا کسی که جان پیغمبر اکرم است باید چنین افتخاری نصیبش شود یا کسانی که این رتبه را ندارند؟!

در این حدیث مراد از (وأبناءنا) امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) هستند و مراد از (ونساءنا) حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌باشد. ایشان در ادامه نقل می‌کند که «حاکم نیشابوری» این روایت را آورده و گفته است:

«صحيح علی شرط مسلم ولم یخرجاه»

روایت صحیح است و شرایط «صحيح مسلم» را دارد.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - 1401، ج 1، ص 372، باب آل عمران: (59 - 63) إن مثل عیسی... ..

این روایت همچنین از قول «ابن عباس» و «براء ابن عازب» نقل شده است. «حاکم نیشابوری» در کتاب «معرفة علوم الحديث» که کتابی یک جلدی است صفحه 50 می‌گوید:

«وقد تواترت الأخبار في التفاسير عن عبد الله بن عباس وغيره أن رسول الله أخذ يوم المباهلة بيد علي وحسن وحسين وجعلوا فاطمة وراءهم ثم قال هؤلاء أبناءنا وأنفسنا ونساؤنا»

روایات متواتری در تفاسیر از «عبدالله بن عباس» و دیگران داریم مبنی بر اینکه رسول اکرم در روز مباحله دست امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه زهرا را گرفت و فرمود: این‌ها فرزندان من و زنان من و جان من هستند.

«فهلما أنفسكم وأبناءكم ونساءكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين»

شما هم بروید جان خود و فرزند خود و زنان خود را بیاورید تا با هم مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگو قرار دهیم.

معرفة علوم الحديث، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاکم النيسابوری، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1397 هـ - 1977 م، الطبعة: الثانية، تحقيق: السيد معظم حسين، ج 1، ص 50، باب معرفة أولاد الصحابة

کلمه «تواترت الأخبار» مسئله‌ای بسیار مهم و اساسی است. عزیزان دقت کنند روایت متواتر به منزله ورود در آیات قرآن است. حدیث متواتر حدیثی است که حتی «ابن تیمیه» می‌گوید:

«وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا تَبَّتْ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 1، ص 109

آقای «ألبانی» که یکی از استوانه‌های علمی رجالی و هابیت است، در کتاب «صحيح سنن ترمذی» جلد سوم صفحه 523 همین تعبیر را نقل می‌کند.

«زمخشری» در کتاب «تفسیر الکشاف» وقتی به این روایت می‌رسد، ابتدا این روایات را نقل می‌کند تا جایی که می‌گوید:

«وفیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الكساء علیهم السلام»

هیچ دلیلی قوی‌تر از این بر افضلیت اصحاب کساء (علیهم السلام) نداریم.

«وفیه برهان واضح علی صحة نبوة النبی»

این دلیل واضح بر صحت رسالت و نبوت رسول اکرم است.

«لأنه لم یرو أحد من موافق ولا مخالف انهم أجابوا إلى ذلك»

دوست و دشمن کسی نقل نکرده است که نصاری نجران پاسخ داده باشد.

الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، ج 1، ص 397، ح 171

وقتی رئیس نصاری نجران، رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن و امام حسین نگاه کردند، نگران شد و گفت: من چهره‌هایی می‌بینم که اگر دست به دعا بردارند یک نفر از مسیحیان در کره

زمین زنده نخواهد ماند. بنابراین از مباحله صرف نظر کردند و حاضر به پرداخت جزیه شدند. این مطالب کاملاً روشن و واضح است.

### تحریفی خائنانه از مناقب اهل بیت (علیهم السلام) در منابع معتبر اهل سنت!

حال تحریفات را ملاحظه کنید در کتاب «مصنف ابن ابی شیبیه» نمونه‌ای از این تحریفات نقل شده است.

ما در کتاب «صحیح مسلم» و دیگر کتب ملاحظه کردیم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نام چهار نفر را برده‌اند؛ امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام). حال به این روایت دقت کنید.

### «لما أراد رسول الله أن يلاعن أهل نجران قبلوا الجزية أن يعطوها»

تا جایی که می‌نویسد:

### «ولما غدا إليهم رسول الله أخذ بيد حسن وحسين وكانت فاطمة تمشي خلفه»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 426، ح

37014

ملاحظه کنید در این روایت اسم امیرالمؤمنین حذف شده است. بنده نمی‌دانم این افراد چه توجیحی برای این تحریفشان دارند!! آیا با حذف کردن نام امیرالمؤمنین می‌توانند به اهداف خودشان برسند؟

ملاحظه کردید که این روایت در کتاب «صحیح مسلم»، «سنن ترمذی» و کتابهای دیگر آمده است به طوری که حتی ادعای تواتر کرده‌اند. حال ایشان اسم امیرالمؤمنین را حذف می‌کند. همچنین «ابن قیم جوزیه» شاگرد «ابن

تیمیه» در کتاب «جلاء الافهام» در صفحه 264 می‌گوید:

### «دعا النبي فاطمة وحسنا وحسينا وخرج للمباهلة»

جلاء الأفهام في فضل الصلاة على محمد خير الأنام، اسم المؤلف: محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، دار النشر: دار العروبة - الكويت - 1407 - 1987، الطبعة: الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط، ج 1، ص 264، باب المسألة الأولى في لفظها وفيها ثلاثة اقوال

در این روایت هم اسم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حذف و تحریف شده است. «بیهقی» در کتاب «دلائل النبوة» جلد پنجم صفحه 388 کاملاً روایت را نقل می‌کند تا آنجایی که می‌گوید:

### «مشتماً على الحسن والحسين في خميل له وفاطمة تمشي عند ظهره للملاعنة»

دلائل النبوة، اسم المؤلف: للبيهقي، ج 5، ص 388، باب وفد نجران وشهادة الأساقفة لنبينا

«حاکم نیشابوری» در جای دیگر نمی‌تواند چیزی را که قبلاً آورده بود، بازهم تکرار کند:

### «فجاء النبي وجمع ولده والحسن والحسين»

المستدرک على الصحيحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیشابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 2، ص 649، ح 4157

ایشان در اینجا حتی اسم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را هم حذف می‌کند. همه این روایات نشان می‌دهد وهابیت می‌خواهد برای کسانی که به دنبال بهانه جویی و عناد با اهل بیت هستند، مستمسکی قرار بدهد. «حاکم نیشابوری» اسم امیرالمؤمنین را نیاورده است. همچنین «ابن قیم جوزیه» شاگرد «ابن تیمیه» هم اسم امیرالمؤمنین را نیاورده است.



این افراد می‌دانند اگر بنا باشد اسم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آن هم به عنوان جان و روح رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آورده شود، دیگر جایی برای دیگران نیست که منسب خلافت را متصدی شوند! همانگونه که امیرالمؤمنین برای اثبات رسالت و صداقت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شایسته بود، تنها کسی بود که این شایستگی را داشت بر صداقت و رسالت نبی گرامی اسلام شهادت بدهد.

قطعاً چنین فردی شایسته است جای پیغمبر اکرم را بگیرد و خلافت، وصایت و امامت بعد از پیغمبر را هم به عهده بگیرد. بنابراین مخالفین، چنین کارهایی را انجام می‌دهند. لذا این مطالب کاملاً واضح و روشن است.

### **دستور عجیب امام صادق (سلام الله علیه) برای اثبات حقانیت مکتب تشیع!**

نکته‌ای که در مورد مسئله مباحله خدمت عزیزان عرض کنم، این است که مباحله یکی از معجزات اسلام می‌باشد و هنوز هم که هنوز است این معجزه در جای خود برقرار است.

در مواردی که با فردی اختلاف عقیدتی هست، تحت شرایطی می‌توان مباحله کرد. در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه 513 باب مباحله روایت مهمی در این زمینه نقل شده است.

روایت از قول «ابو مسروق» نقل شده و صددرصد هم صحیح است. ایشان خدمت امام صادق (علیه السلام) عرضه می‌دارند:

**«إِنَّا نَكْتُمُ النَّاسَ فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي أُمَرَاءِ السَّرَايَا»**

زمانی که با اهل سنت مناظره می‌کنم و برای حقانیت اهل بیت به آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) استدلال می‌کنم، می‌گویند این آیه در رابطه با امراء است.

**«فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ»**

زمانی که به آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ) استدلال می‌کنم، می‌گویند این آیه در مورد مؤمنین است.

«و نَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي قُرْبَى الْمُسْلِمِينَ»

زمانی که آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را می‌آورم، می‌گویند در رابطه با بستگان پیغمبر اکرم است.

«قَالَ فَلَمْ أَدْعُ شَيْئًا مِمَّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هَذِهِ وَ شَبَّهَهُ إِلَّا ذَكَرْتُهُ»

هرچه از آیاتی که در مورد حقانیت اهل بیت من ذکر می‌کنم، این افراد آن را توجیح می‌کنند.

«فَقَالَ لِي إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ»

امام صادق فرمود: این افراد را به مباهله دعوت کن.

مباهله چیزی است که اگر دو نفر باهم تحت شرایطی مباهله کردند، خدای عالم طرف باطل را بلافاصله محو و نابود می‌کند.

باید دید آیا این افراد به عقیده خودشان آنقدر پایبند هستند که از جانشان بگذرند؟! آیا این افراد به قدری یقین دارند که خودشان را فدا کنند یا چیزی را به زبان می‌گویند اما قلباً عقیده ندارند؟!

«قُلْتُ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ»

«ابو مسروق» عرضه داشت: چگونه این کار را انجام دهم؟!

امام صادق فرمود: سه روز به اعمال دقت کن، تقوا را رعایت کن، روزه بگیر و غسل کن. سپس به بیابان بروید، انگشتانتان را به همدیگر بچسبانید، این دعا را بخوانید و بگویید:

«وَإِنْ كَانَ فَلَانٌ جَحَدَ حَقًّا وَادَّعَى بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا»

«ابومسروق» می‌گوید: بعد از اینکه با اینها مناظره می‌کردم و در مناظره عاجز و ناتوان می‌ماندند، آن‌ها را به مباحله دعوت می‌کردم.

«فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يَجِئُنِي إِلَيْهِ»

به خدا قسم یک نفرشان حاضر نشد برای مباحله بیاید.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2، ص 513، ح 1

بنابراین این بالاترین دلیل بر حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است.

«آیه تطهیر»؛ جلوه ای از جایگاه بی نظیر اهل بیت (علیهم السلام)

آیه دوم، آیه تطهیر است. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

ما در کتب شیعه الی ماشاءالله روایت در این زمینه داریم. بنده نمی‌خواهم روی کتاب‌های شیعه بحث کنم، اما آدرس‌ها را یادداشت کنید.

در کتاب «کمال الدین» جلد اول صفحه 278 روایت مفصلی مطرح شده است. امیرالمؤمنین در روز شورای شش نفره خلیفه دوم، پنج نفر از بزرگان صحابه نظیر «عثمان»، «سعد ابن ابی وقاص»، «طلحه»، «زبیر» و «عبدالرحمن بن عوف» را سوگند داد و فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَتَعَلَّمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً فَجَمَعَنِي وَ فَاطِمَةَ وَ ابْنِي حَسَنًا وَ حُسَيْنًا ثُمَّ أَلْفَى عَلَيْنَا كِسَاءً»

آیا شما می‌دانید وقتی که خدای عالم آیه (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) را نازل کرد، من و فاطمه و دو فرزندم را در زیر کساء جمع کرد؟

«لَيْسَ مَعَنَا فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا»

غیر از ما کسی در آنجا نبود.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 278، ح 25

همه گفتند: بله. کتاب «امالی» «شیخ طوسی» نیز این روایت را مطرح کرده است. حال از میان کتب اهل سنت بازهم به سراغ کتاب «صحیح مسلم» می‌رویم. در این کتاب حدیث 2424 روایتی از قول عایشه همسر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است.

«خَرَجَ النَّبِيُّ غَدَاهُ وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ قَالَ»

روزی پیغمبر اکرم آمد در حالی که عبایی همراه داشت که از موی سیاه بُز بافته شده بود. رسول اکرم، علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین را زیر کساء قرار داد و فرمود:

«إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1883، ح 2424

در این که مصداق اهل بیت چه کسانی هستند، واضح و روشن شد. افرادی دیگری هم در این زمینه مطالبی را آورده‌اند.

در کتاب «اربعین» اثر «ابن عساکر» روایتی از قول «ابی سعید خدری» صحابه پیغمبر اکرم و «ام سلمه» همسر رسول گرامی اسلام نقل می‌کند وقتی این آیه نازل شد، «ام سلمه» گفت:

«يارسول الله ألسنت من أهل البيت»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهلبیت هستم؟

«قال إنك إلى خير إنك من أزواج رسول الله صلى الله عليه وسلم»

پیغمبر اکرم فرمود: تو انسان خوبی هستی. تو از همسران پیغمبر اکرم هستی.

«قالت وأهل البيت رسول الله صلى الله عليه وسلم وعلى وفاطمة والحسن والحسين رضی الله عنهم

أجمعين»

سپس می‌نویسد:

«والآية نزلت خاصة في هؤلاء المذكورين»

الأربعين في مناقب أمهات المؤمنين رحمة الله عليهن أجمعين، المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن محمد بن هبة الله بن عساكر، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة الأولى، 1406، تحقيق: محمد مطيع الحافظ، غزوة بدير، ج 1، ص 105، الحديث السادس والثلاثون

این روایت قول «أم سلمه» را به صراحت نفی می‌کند، زیرا زنان پیغمبر اکرم جزو اهل بیت پیغمبر نیستند.

«ابو حیان اندلسی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت متوفای 745 هجری در کتاب «تفسیر بحر المحيط» جلد هفتم روایتی در این زمینه نقل می‌کند و می‌نویسد:

«هو خاص برسول الله وعلى وفاطمة والحسن والحسين»

اهلبیت مخصوص پیغمبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین هست.

«وروی نحوه عن أنس وعائشة وأم سلمة»

مثل این روایت از قول أنس و عایشه و أم سلمه نقل شده است.

تفسیر البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت - 1422 هـ - 2001 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود - الشیخ علی محمد معوض، شارک فی التحقیق (1) د. زکریا عبد المجید النوقی (2) د. أحمد النجولی الجمل، ج 7، ص 224، باب الأحزاب: (1) یا أيها النبی... ..

ایشان از قول «ابن عباس»، «ابوسعید خدری»، «انس بن مالک»، «عایشه» و «ام سلمه» نقل می‌کند که مراد از آیه تطهیر همین چهار نفر به علاوه رسول الله هستند و همسران پیغمبر اکرم وارد این آیه نیستند.

آقای «بغوی» متوفای 516 هجری در کتاب «تفسیر» خود که از تفسیرهای مورد اعتماد است، جلد 3 صفحه 529 می‌گوید:

«وذهب أبو سعيد الخدري ودماعة من التابعين منهم مجاهد وقتادة وغيرهما إلى انهم على وفاطمة  
والحسن والحسين»

ابو سعيد خدري، جماعتی از تابعین، مجاهد، قتاده و دیگران می گویند: مراد از آیه تطهیر علی بن ابی  
طالب و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین هستند.

تفسیر البغوی، اسم المؤلف: البغوی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، ج  
3، ص 529، باب الأحزاب: (33) وقرن فی بیوتکن... ..

این روایات همگی نشان می‌دهد مراد از آیه تطهیر که خدای عالم هرگونه پلیدی را از اینها برداشته است، کسی  
جز علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین کسی نیست.

حال این افراد ادعا می‌کنند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از خودشان علی بن ابی طالب را برای  
خلافت و وصایت معین نکرده است، غدیری در کار نبوده و حدیث منزلت و حدیث خلافت و حدیث امامت هم  
در کار نیست!!

برفرض چنین باشد و تنها ما هستیم و می‌خواهیم کسی را برای خلافت پیغمبر اکرم انتخاب کنیم. آیا کسی که  
آیه تطهیر در حق او نازل شده و عصمت و نزدیکی او را به پیغمبر اکرم تثبیت می‌کند شایسته خلافت است یا  
کسانی که یک عمر بت پرست بودند و اینک روی مسائلی مسلمان شده‌اند؟!

اگر بخواهیم از نظر عقلی خلیفه معین کنیم، کدامیک از این افراد شایسته خلافت هستند؟! آیا امام حسن و  
امام حسین شایسته‌تر هستند یا معاویه که مورد لعن پیغمبر اکرم قرار گرفته و یزیدی که شراب خوار است و با  
محارم خود ازدواج می‌کند؟!

یک میان برنامه ملاحظه کنید، برمی گردیم و در خدمتتان هستیم.

ما در رابطه با جایگاه رفیع حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) در منابع اهل سنت مطالبی عرض کردیم. بنده خیلی خلاصه نکته‌ای را یادآوری کنم و بعد به سراغ روایات برویم و ببینیم تا چه مقدار می‌توانیم جلو برویم.

### اعتراف عجیب آلوسی وهابی، در حق حضرت زهرا (سلام الله علیها)

یکی از سوره‌هایی که در حق امام حسن و امام حسین و حضرت صدیقه طاهره و امیرالمؤمنین نازل شده است، سوره هل اُتی است.

ما در کتب شیعه‌ی اِلی ماشاءالله در این خصوص روایت داریم، اما از میان تفاسیر اهل سنت کتاب «تفسیر ثعلبی» متوفای 427 هجری جلد دهم صفحه 99 روایت مفصلی در این زمینه نقل کرده است.

ایشان مفصل می‌نویسد امام حسن و امام حسین بیمار شدند. پیغمبر اکرم به عیادت این دو بزرگوار آمدند و فرمودند: برای شفای فرزندان نذر کنید. امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا فرمودند: اگر فرزندانمان شفا پیدا کنند، سه روز روزه می‌گیریم.

آن بزرگواران سه روز روزه گرفتند. روز اول فقیر آمد، روز دوم مسکین آمد و روز سوم اسیری در خانه امیرالمؤمنین آمد. امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا افطار خودشان را در اختیار این سه شخص قرار دادند و خودشان با آب افطار کردند.

«مناقب خوارزمی» صفحه 267 این قضایا را مفصل مطرح می‌کند. «آقای قرطبی» در کتاب «تفسیر» خود جلد 19 صفحه 130 می‌گوید:

«وقال أهل التفسیر: نزلت فی علی وفاطمة رضی الله عنهما وجاریة لهما اسمها فضة»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، دار النشر: دار الشعب

– القاهرة، ج 19، ص 130، باب الإنسان: (7) یوفون بالنذر ویخافون... ..



این هم از کم لطفی‌های آقایان اهل سنت است، اما با این حال ماجرای نذر روزه آن بزرگواران را نقل کرده‌اند و گفته‌اند: مسکین و اسیر و فقیر آمدند و اهل بیت افطارشان را در اختیار آنها قرار داد.

آقای «آلوسی» متوفای 1270 هجری در کتاب «روح المعانی» تمام این قضایا را آورده و جالب است که می‌گوید: خدا هر جا نعمت‌های بهشتی را آورده و من جمله حور العین را هم ذکر کرده است. حال در این سوره با وجود نام بردن نعمت‌های بهشتی اسمی از حور العین نیست. چرا؟

«لحرمة البتول وقرّة عين الرسول»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 29، ص 158، باب الإنسان: (12) وجزاهم بما صبروا... ..

حاکم نیشابوری: من تعجب می‌کنم چرا «صحیحین» این روایت را ذکر نکرده‌اند!!

من سریع عبور می‌کنم. حال از نظر روایت یکی از بزرگترین روایتی که در منابع اهل سنت به صورت مفصل آمده است، روایت:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»

حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان از آنها بهتر است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 19، ص 292، ح

بنده تقاضا دارم عزیزان به این مطالب خوب دقت کنند. این روایت در منابع شیعه زیاد نقل شده است. کتاب «امالی» اثر «شیخ صدوق» صفحه 99 این روایت را مفصل نقل کرده است.

از میان منابع اهل سنت آقای «ابن ابی شیبیه» استاد «بخاری» متوفای 235 هجری در کتاب خود جلد ششم روایات متعددی آورده است. در حدیث 32176 آمده است:

### «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

امام حسن و امام حسين سرور جوانان اهل بهشت هستند.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 378، ح

32176

ایشان در حدیث بعد هم می‌نویسد:

### «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 378، ح

32179

«ابن ابی شیبیه» در حدیث بعد می‌نویسد:

### «أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم»

هرکسی با شما جنگ کند با من جنگ کرده و هرکسی با شما صلح کند با من صلح کرده است.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار  
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 378، ح

32181

«احمد حنبل» در «مسند» جلد 3 صفحه 3 همين تعبير را نقل می‌کند و می‌نویسد:

### «والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

در مورد اسنادش هم می‌گوید:

«إسناده صحيح رجاله ثقات»

مسند أحمد بن حنبل، الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني،

الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، ج 3، ص 3، ح 11012

همچنین «ابن ماجه قزويني» در «سنن» که یکی از صحاح سته است، جلد اول صفحه 44 حديث 118 از قول

«عبدالله بن عمر» نقل می‌کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»

امام حسن و امام حسين سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان از آنها بهتر است.

سنن ابن ماجه، اسم المؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، دار النشر: دار الفكر - بيروت -، تحقيق:

محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 44، ح 118

آقای «ألباني» در کتاب «سلسلة الاحاديث صحيحه» حديث 797 اين مطلب را آورده است. آقای «طبرانی» هم

در کتاب «معجم الكبير» جلد 19 صفحه 293 همين تعبير را آورده است.

«ترمذی» هم در کتاب «سنن» که یکی از صحاح سته است، در جلد 5 صفحه 656 این روایت را می‌آورد:

### «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة»

و می‌گوید:

«هذا حديث حسن صحيح»

الجامع الصحيح سنن الترمذی، المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمی، الناشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 656، ح 3768

جالب این است که «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 182 این روایت را

می‌آورد:

### «الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة»

و در ادامه می‌نویسد:

«هذا حديث قد صح من أوجه كثيرة وأنا أتعجب أنهما لم يخرجاه»

این روایت از چند جهت صحیح است و من تعجب می‌کنم مسلم و بخاری چرا این روایت را ذکر نکرده‌اند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3،

ص 182، ح 4778

الحق که جا دارد آقای «حاکم نیشابوری» تعجب کند. همچنین آقای «البانی» در کتاب «صحيح سنن ترمذی»

همین تعبیر را می‌آورد و می‌گوید:

## «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 2، ص 423، ح 796

### جنایتی که دست‌های ناپاک بنی امیه و ناپاک‌تر بنی عباس مرتکب شدند!

یکی از جنایتهایی که دست‌های ناپاک بنی امیه و ناپاک‌تر بنی عباس مرتکب شدند، این است که اولاً بسیاری از این روایات را حذف کردند. آن‌ها روایاتی که در فضیلت حضرت امیرالمؤمنین و اهل بیت بودند حذف کردند، ناقلاً روایت را شلاق زدند و زندانی و شکنجه کردند.

آقای «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» در رابطه با یکی از روایتشان که روات صحاح سته هم است، تعبیری دارد و می‌گوید:

«وددت أني قمت على المنبر من غدوة إلى الظهر فأذكر فضائل علي بن أبي طالب رضي الله عنه ثم أنزل

فيضرب عنقي»

دوست دارم بعد از نماز صبح تا ظهر بالای منبر بروم و فضائل علی بن ابی طالب را بگویم، سپس از منبر پایین بیایم و گردنم را بزنند.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، ج 3، ص

489، باب عبد الله بن شداد ع

دقت داشته باشید «ذهبی» یکی از علمای اهل سنت است. ایشان راوی کتاب‌هایی از قبیل «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم»، «سنن ابن ماجه»، «سنن ترمذی» و دیگر کتب است.

این افراد برای جلوگیری از نقل فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه کارها کرده بودند. بنده یک نمونه از کارهایی که بنی امیه و بنی عباس کرده بودند را خیلی کوتاه عرض کنم. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

### «أنا مدينة العلم وعلى بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 137، ح 4637

این افراد نتوانستند این روایت را حذف کنند، زیرا نزدیک به هفده سند دارد. آن‌ها برای این حدیث، شبیه سازی کردند و حدیث جعلی و بدلی درست کردند و نوشتند که پیغمبر اکرم فرمود:

### «أنا مدينة العلم وأبو بكر أساسها وعمر حيطانها وعثمان سقفها وعلى بابها»

تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمرى، ج 9، ص 20، ح 751

همچنین روایت دیگری با این مضمون درست کرده‌اند که پیغمبر اکرم فرمود:

### «أنا مدينة العلم وعلى بابها ومعاوية حلقته»

من شهر علم هستم و علی بن ابی طالب در این شهر و معاویه حلقه در است.

المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، اسم المؤلف: أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد السخاوي، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - 1405 هـ - 1985 م، الطبعة: الأولى ، تحقيق : محمد عثمان الخشت؛ ج1، ص 70

ظاهراً آقايان يادشان رفته بود بگویند «یزید» هم توالت این شهر است!! پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«مَا أَنَا سَدَدٌ أَبْوَابِكُمْ وَفَتَحْتُ بَابَ عَلِيٍّ وَلَكِنَّ اللَّهَ فَتَحَ بَابَ عَلِيٍّ وَسَدَّ أَبْوَابَكُمْ»

من نه در خانه‌های شما را بستم و نه در خانه علی بن ابی طالب را باز کردم، بلکه دستوری از جانب خداوند بود و من تنها اطاعت کردم.

جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدین عبد الرحمن السیوطی، ج 11، ص 121، ح 3349

بنی امیه برای این روایت هم روایتی جعلی درست کردند و ادعا کردند که پیغمبر اکرم فرمود:

«لَا يَبْقَيْنَ فِي الْمَسْجِدِ حَوْحَةٌ إِلَّا حَوْحَةُ أَبِي بَكْرٍ»

تمام خوخه ها را به روی مسجد ببندید و تنها خوخه ابوبکر باز باشد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1417، ح 3691

«خوخه» که زمان قدیم به آن «باجه» هم می‌گفتند، سوراخ گردی به اندازه صورت بود که از آن بتوانند داخل ساختمان را ببینند.

پیغمبر اکرم فرمود: همانطور که ستارگان آسمان برای مردم زمین مایه هدایت هستند، اهل بیت من هم برای امت مایه هدایت هستند. بنی امیه این روایت را جعل کردند و ادعا کردند که پیغمبر اکرم فرموده است:

«أصحابی كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم»

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 5، باب البقرة: (1) الم

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة - 1415، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج 4، ص 33، ح 3542

اما بنی امیه روایتی با مضمون «کتاب الله و سنتی» جعل کردند. ملاحظه کنید هرچه در رابطه با امیرالمؤمنین و اهلبیت بوده است، بدلی برای آن درست کردند. جالب این است که روایت:

«قال النبي لعلی أما تزوی أن تكون منی بمنزلة هارون من موسى»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص

1359، ح 3503



در صحاحشان آمده است. «صحيح مسلم» این روایت را به صورت مفصل بیان کرده است، اما بنی امیه ادعا کرده است اگر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) علی بن ابی طالب را به هارون تشبیه کرده است، ابوبکر را به حضرت عیسی و حضرت ابراهیم تشبیه کرده است!!

«وان مَثَلک یا اَبَا بَکْرٍ کَمَثَلِ اِبْرَاهِیمِ عَلَیهِ السَّلَامُ قَالَ (من تبَعنی فِینَه منی وَمَنْ عَصَانی فَاِنَّکَ عَفُوْرٌ رَحِیْمٌ) وَمَثَلک یا اَبَا بَکْرٍ کَمَثَلِ عِیْسَى قَالَ (اِنْ تُعَدِّبُهُمْ فَاِنَّهُمْ عِبَادُکَ وَاِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَاِنَّکَ اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ)»

بنی امیه همچنین ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم در روایتی خطاب به عمر بن خطاب فرموده است:

«وان مَثَلک یا عُمَرُ کَمَثَلِ نُوحٍ قَالَ (رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَی الْأَرْضِ مِنَ الْکَافِرِیْنَ دِیَارًا) وان مَثَلک یا عُمَرُ کَمَثَلِ مُوسَى قَالَ رَبِّ (اشْدُدْ عَلَی قُلُوْبِهِمْ فَلَا یُؤْمِنُوْا حَتّٰی یُرُوْا الْعَذَابَ الْأَلِیْمَ)»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج 1، ص 383، ح 3632

به بیان بهتر شما هر روایتی در رابطه با فضیلت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اهل بیت (علیهم السلام) پیدا کنید، مشاهده می‌کنید بنی امیه روایتی جعلی در کنار آن درست کردند.

آیا روایت «أبوبکر وعمر سیدا کهول أهل الجنة» صحیح است!؟

ملاحظه کنید در رابطه با حدیث:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»

حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان از آنها بهتر است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -  
الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 19، ص 292، ح  
650

هم همین کار را کرده‌اند. در کتاب «مصنف ابن ابی شیبہ» استاد «بخاری» جلد 6 می‌گوید:

«إذ أقبل أبو بكر وعمر فقال يا علي هذان سيدا كهول أهل الجنة»

ابابکر و عمر وارد شدند. پیغمبر اکرم فرمود: علی جان! این دو نفر سرور پیرمردهای بهشت هستند.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار  
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 350، ح  
31941

مگر بهشت خانه سالمندان است؟! همچنین کتاب «السنه» «ابن ابی عاصم» با تحقیق «ناصرالدین البانی» جلد  
2 صفحه 617 می‌گوید:

«إذ أقبل أبو بكر وعمر فقال هذا كهول سيدا كهول أهل الجنة»

ابابکر و عمر وارد شدند. پیغمبر اکرم فرمود: علی جان! این دو نفر سرور پیرمردهای بهشت هستند.

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1400،  
الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، ج 2، ص 617، ح 1419

مشاهده کنید این افراد چه مسخره بازی‌هایی به راه انداخته‌اند و چطور سنت پیغمبر اکرم را بازیچه دست خود  
درست کرده‌اند.

اگر قرار باشد کسی که بیش از صد سال عمر کرده و نه چشم دیدن دارد و نه پای راه رفتن دارد، برای چه به بهشت ببرند؟! مگر بهشت خانه سالمندان یا خانه معلولین است!!

بنده نمی‌دانم آقایانی که این احادیث جعلی را درست کرده‌اند، عقل هم داشتند یا خیر؟! اگر این روایات را در تیمارستان برای دیوانه‌ها بخوانید به ریشتان می‌خندند.

از طرف دیگر ملاحظه کنید بزرگان اهل سنت چه نظری روی این روایات دارند. کتاب «المعیار و الموازنه» اثر «ابوجعفر اسکافی» از علمای بزرگ اهل سنت در رابطه با فضائل حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

ایشان در این کتاب می‌گویند: وقتی قیامت برپا می‌شود و خلایق به بهشت می‌روند، همه مردم به صورت یک جوان محشور می‌شوند؛

«لیس فی الجنة کهل»

و اصلاً جایی برای پیرمردها نیست.

المعیار والموازنة، المؤلف: الشيخ الأقدم أبي جعفر الإسكافي محمد بن عبد الله المعتزلي، ج 1، ص 1،

باب 09

آقای «محمد علی قاری» یکی از علمای بزرگ احناف در کتاب «مرقاة المفاتیح» می‌نویسد: این روایت که درست کردند و گفته‌اند ابوبکر و عمر سروران پیران اهل بهشت است، ضعیف است و ارزشی ندارد.

«سیدا من مات کهلا من المسلمین فدخل الجنة لأنه لیس فیها کهل بل من یدخلها ابن ثلاث وثلاثین»

کسانی که وارد بهشت می‌شوند همه به صورت جوان هستند. حتماً در سن سی و سه سالگی هستند.

«وإذا كانا سیدا الکھول فأولی أن یكونا سیدی شباب أهلها»

اگر بنا باشد سید بهشتیان باشند، باید بگویند سید شباب اهل الجنة.

مراجعة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، اسم المؤلف: علي بن سلطان محمد القاري، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1422 هـ - 2001 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: جمال عيتاني، ج 11، ص 211، ج 6059

طبق احاديث هم «سیدی شباب أهلها» تنها امام حسن و امام حسين هستند. آقای «مناوی» از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «فیض الغدير» جلد اول صفحه 89 می‌گوید:

«لأنه ليس في الجنة كهل»

اصلاً در بهشت پیرمردی نیست.

فیض القدير شرح الجامع الصغير، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 1، ص 89، باب آخر أربعاء بالمد وكسر الموحدة على الأشهر

نقل شده است تمامی کودکان، تمام نوزادانی که از دنیا رفته‌اند یا حتی جنین‌هایی که سقط شده‌اند، به امر خداوند متعال بزرگ می‌شوند و به سن سی و سه سالگی یا بیست و چهار سالگی می‌رسند.

همچنین کسانی که پیر شده و از دنیا رفته‌اند، به سن جوانی برمی‌گردند و به صورت جوان وارد بهشت می‌شوند و از نعمتهای بهشتی و حوری‌های بهشتی استفاده می‌کنند. چنین نیست که بهشت را خانه سالمندان و معلولین درست کنند.

همچنین آقای «مبارکفوری» متوفای 1353 هجری همین روایت را می‌آورد و می‌گوید: این روایت کاملاً ساختگی و جعلی است. کسانی که وارد بهشت می‌شوند همه جوان سی و سه ساله هستند.

افرادی که کوچک از دنیا رفته‌اند بزرگ می‌شوند و کسانی که در کهن سالی از دنیا رفته‌اند جوان شده و وارد بهشت می‌شوند.

بنده تنها کلامی از امام جواد (علیه السلام) بگویم و بحث را خاتمه بدهیم. در کتاب «احتجاج» جلد دوم صفحه 447 نقل شده است که وقتی «یحیی بن اکثم» با امام جواد مناظره می‌کند، همین روایت را می‌خواند. امام جواد (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«وَهَذَا الْخَبْرُ مُحَالٌ أَيْضاً لِأَنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ كُلَّهُمْ يَكُونُونَ شَبَاباً وَ لَا يَكُونُ فِيهِمْ كَهْلٌ»

این خبر از محالات است زیرا اهل بهشت همگی جوان هستند و در میان آنها پیرمرد وجود ندارد.

«وَهَذَا الْخَبْرُ وَضَعَهُ بَنُو أُمِّيَّةٍ لِمُضَادَّةِ الْخَبْرِ الَّذِي قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع بِأَنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج 2، ص 447، باب احتجاج ابي جعفر محمد بن علی الثانی ع فی أنواع شتی من العلوم الدینیة

جالب است که در کتاب «عیون اخبار الرضا» نقل شده است وقتی «مأمون» با برخی از بزرگان اهل سنت بحث می‌کند، می‌گوید: این حدیث از محالات است زیرا در بهشت پیرمردی نیست.

امیدواریم ان شاءالله عزیزان از این مطالب استفاده کرده باشند و تلاش‌های ما و گوش کردن‌های شما مرضی مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) قرار بگیرد.

بنده از همه عزیزان التماس دعا دارم و مخصوصاً از بزرگوارانی که در مشهد مقدس این برنامه را می‌بینند تقاضا دارم هنگام تشریف به حرم امام رضا (علیه السلام) یک جمله از طرف ما بگویند: «السلام علیک یا بن فاطمه الزهرا».

ان شاء الله عزیزان بیننده در مشهد مقدس از امام رضا بخواهند که یک نظر ویژه‌ای به این غلام و نوکر روسیاهشان داشته باشند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته